

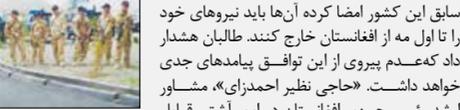
طالبان نمی‌تواند برای خروج نیروهای خارجی تصمیم بگیرد

یکی از مشاوران ارشد رئیس‌جمهور افغانستان در امور آشتی قبیایل و احزاب سیاسی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری اسپوتنیک تأکید کرد، طالبان به تنهایی نمی‌تواند به خروج نیروهای خارجی از افغانستان رسیدگی کند چرا که دولت کابل طرفی است که تمامی تقاضاهای خارجی را امضا کرده و می‌تواند ضمانت‌های مربوطه را تأمین کند. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، طالبان روز یکشنبه ضرب‌الاجلی صادر کرد و در آن به آمریکا گفت طبق توافقی که با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور

سابق این کشور امضا کرده آن‌ها باید نیروهای خود را تا اول مه از افغانستان خارج کنند. طالبان هشدار داد که‌عدم پیروی از این توافقی پیامدهای جدی خواهد داشت. «حاجی نظیر احمدزای»، مشاور ارشد رئیس‌جمهور افغانستان در امور آشتی قبیایل و احزاب سیاسی در این مصاحبه گفت: بیانیه طالبان در رابطه با خروج نیروهای خارجی نادرست است چرا که تصمیم برای خروج نیروهای خارجی تنها در توافق‌نامه با دولت کابل مطرح شده

aftab.yz@gmail.com

سیاسی



شده‌اند که تنها دولت کابل طرفی است که آن‌ها می‌توانند درباره برنامه‌های خروج نیروهایشان با آن مذاکره کنند و در عوض ضمانت‌هایی را به دست آورند.

بن سلمان بدون مشورت با آمریکا مرتکب قتل خاشقجی شده‌است!؟

این روزها و سه سال بعدِ قتل فجیع جمال خاشقجی، تیم بایدن با فشار بر بن سلمان در تلاش هستند تا راهی برای بازگرداندن بن نایف به قدرت پیدا کنند. از همان ابتدا نیز مشخص بود بایدن قصد ندارد بیشتر از این به این ولیعهد جوان میدان دهد گو این که حتی اگر ترامپ نیز بر سر کار بود چنین می‌شد و اگر نه قتل مهره‌ی نزدیک به حاکمیت عربستان و از دردانه‌های زمان عبدالله بن عبدالعزیز، کسی که محرم راز ترکی فیصل – رابط عربستان و سرویس‌های جاسوسی اسرائیلی – بود بدون مشورت و حداقل اطلاع ایالات متحده‌ی آمریکا غیر ممکن به نظر می‌رسد یا لااقل باورناکردنی!



«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا را موظف به ارائه چنین گزارش طبقه‌بندی نشده‌ای کرد، اما ترامپ این درخواست را نادیده گرفت. به دنبال همین گزارش، «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که علیه ۷۶ تبعه سعودی که شامل تعدادی از مقام‌های ریاض، خانواده‌های آن‌ها و برخی از اعضای گارد سلطنتی سعودی است، محدودیت‌هایی برای صدور روادید در نظر گرفته است اما بن سلمان به رغم صدور دستور قتل خاشقجی تحریم و یا محدود نمی‌شود. پیش از انتشار این گزارش، «جو بایدن» در تماس با شاه عربستان به وی گفته بود که ایالات متحده مسئولان نقض حقوق بشر در عربستان را مجازات خواهد کرد و ایالات متحده تغییرات عمده‌ای در روابط دو جانبه با ریاض اعمال خواهد کرد. بایدن در دوران تبلیغات انتخاباتی ریاست‌جمهوری آمریکا نیز گفته بود که خاشقجی به دستور ولیعهد سعودی کشته شده و باید با عربستان مانند خودشان رفتار شود. در آخرین تحول ندرپایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا از عربستان خواست باند مخوف قتل به رهبری محمد بن سلمان ولیعهد سعودی که وااشنگتن به دلیل قتل جمال خاشقجی این تیم را تحریم کرده است منحل کند.

هشت بن سلمان

انتشار گزارش اخیر با وجود تلاش‌های آشکار و پنهان مقام‌های سعودی برای جلوگیری از فاش شدن آن به گرفتاری‌های بیشتر و وحشت بن سلمان افزوده و اتمامی که ولیعهد سعودی گمان می‌برد از آن قسر در رفته بار دیگر به جریان افتاده و ماجرا زنده شده است. در همین پیوند پایگاه خبری «میدل ایست نیوز» نیز نوشتند که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، در بنبوحه جنجال قتل «جمال خاشقجی» یک بار گفته بود که فقط ترامپ می‌تواند امر از این محصمه نجات دهد. همچنین از ترامپ کنار رفته و دولت جو بایدن به صراحت اعلام کرده که دیگر با ولیعهد ارتباط نخواهد داشت و تنها کانال ارتباطی‌اش با پادشاه خواهد بود و همچنین گزارش رسمی سازمان سیا مبنی بر این که بن سلمان دستور قتل خاشقجی را صادر کرده، به نظر می‌رسد آن گرفتاری و محصمه‌ای که محمد بن سلمان فکر می‌کرد از آن نجات یافته دوباره زنده شده است.

روشن است که روابط عربستان و آمریکا دیگر همانند ماه عسل دوران ترامپ نخواهد بود. از همان روزی که جو بایدن در تبیین سیاست خارجی ۱۰۰ روزه خود گفته بود که جزء اولویت‌های سیاست خارجی‌اش پایان دادن به جنگ یمن است و از کنگره نیز خواست تا صادرات سلاح به عربستان را متوقف کند، روشن بود که کاخ سفید عربستان را دیگر یار غار همیشگی نمی‌داند. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که دوران فاصله گرفتن ایالات متحده از عربستان سعودی و راندنش به فهرست کشورهای عادی درای رابطه با واشنگتن، نه کشور متحد راهبردی که باید برای حفظ هزینه داد، آغاز شده است. این دوران از زمانی آغاز شد که ایالات متحده در تولید نفت به سطحی رسید که از یک سو بخش عمده‌ای از واردات نفت را دیگر خود تأمین می‌کرد و از سوی دیگر منابع جایگزینی را به جای نفت عربستان برگزید. تولیدکنندگانی مانند عراق، مکزیک و کانادا این روزها بیش از عربستان سعودی به ایالات متحده نفت صادر می‌کنند به طوری که واردات نفت آمریکا از عربستان در ماه ژانویه گذشته به صفر رسید.

حالا چه خواهد شد؟

بسیاری احتمالی می‌دهند که عربستان سعودی، دوری آمریکا از خود را با نزدیکی به چین به عنوان یک شریک اقتصادی بالقوه و همچنین اسرائیل به عنوان شریک امنیتی – سیاسی (هر چند غیرقابل اعتماد) جبران کند. البته عربستان می‌داند نزدیکی به اسرائیل هزینه‌های بسیاری دارد، ولی چه بسا ممکن است در محاسبات خود به این نتیجه برسد که برای حفظ بازاگریر باشد این هزینه را ولو سنگین بپردازد. شاید این مسئله خود هدفی ثانویه برای ایالات متحده نباشد که همواره از برقراری روابط کشورهای جهان با اسرائیل حمایت کرده است. همچنین قابل پیش‌بینی است عربستان با خفت بیشتری مجبور شود به جنگ یمن پایان دهد. البته احتمالاتیاتی که عربستان خواهد داد فهرستی طولانی را شامل خواهد شد.

بن سلمان بدون مشورت با آمریکا مرتکب قتل خاشقجی شده‌است!؟

خاشقجی، روزنامه نگار منتقد و مخالف خاندان سلمان، یک سال پیش از قتل، از عربستان خارج می‌شود – تبعید خودخواسته! – او زمانی شهادت می‌دهد که روزنامه‌های اصلاح‌طلب عربستان به نام الوطن بود و از او به عنوان روزنامه‌نگار نزدیک به محافل قدرت در ریاض و مشاور دولت عربستان یاد می‌شد اما با قدرت‌گیری محمد بن سلمان، ستاره اقبال او افول کرد و سرانجام حتی ماندن در کشور را دشوار

بلینکن

عربستان «مشتاق» پایان جنگ در یمن است!

به یافتن راه حلی برای درگیری هستند. ما از حوثی‌ها می‌خواهیم که از این تعهد پیروی کنند. اولین قدم ضروری جلوگیری از حملات به مارب است.»
بلینکن در ایالات متحده خواست عملیات نظامی در شهر مارب و حملات به عربستان را متوقف کرده و مذاکرات صلح را دوباره از سر بگیرند. وزیر امور خارجه آمریکا در سخنرانی خود در کنفرانس اهداکنندگان در یمن گفت: «ما از حوثی‌ها



چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۹ ● شماره ۵۹۶۷

آفتاب

۴۱ درصد آمریکایی‌ها تمایلی برای زدن واکسن کرونا ندارند

بر اساس یک نظرسنجی در آمریکا مشخص شد ۴۱ درصد از شرکت‌کنندگان تمایلی به دریافت واکسن کرونا ندارند. به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه خبری هیل، براساس این نظر سنجی که توسط Harvard CAPS-Harris انجام شد، ۵۹ درصد از شرکت‌کنندگان گفتند که دوست دارند واکسن کرونا را تزریق کنند. این یافته‌ها در حالی منتشر شد که کمپانی جانسون‌اند جانسون توزیع ۳.۹ میلیون دوز واکسن کرونا را در سراسر آمریکا آغاز کرده است.

امروز: همان فردای دیروز است

«برگزین» روزنامه‌های ایران

در این ستون –بی‌هیچ دخل و تصرفی– گزیده‌ای از مطالب روزنامه‌های سراسری کشور را، فردای انتشار می‌توانید مطالعه کنید.

جوان : انتخابات عرصه ابطال بدها است



دنیای انتخابات دنیای اثبات «خوب» نیست بلکه دنیای ابطال «بد» است. گزینش اصلح در واقع با کنار گذاشتن بدترین‌ها ممکن می‌شود. اصولا کشف نامزد خوب به این آسانی‌ها نیست، اما کشف نامزد بد و کنار گذاشتن آن راحت‌تر است، چون فقط یک دروغ راه‌اندازی کند. خاشقجی به سمت مدیر کل این شبکه منصوب شد اما کار این شبکه مدت زیادی طول نکشید. در واقع، شبکه العرب، فقط یک روز پخش شد.

خاشقجی را می‌توان یکی از نیروهای دوران ملک عبدالله بن عبدالعزیز دانست. او در آن دوره، در رسانه‌های عربستان حضور فعالی داشت؛ یادداشت‌های او به‌طور مکرر در روزنامه سعودی الحیات منتشر می‌شد. اما در دوره ملک سلمان و پس‌رش محمد ماجرا متفاوت شد. شاهزاده محمد بن سلمان، با استفاده از موقعیت پدرش، به سرعت مدارج ترقی را طی کرد. او ابتدا دو ولیعهد را کنار گذاشت و بسیاری از شاهزادگان و روزنامه‌نگاران منتقد را سر راه خود برداشت. خاشقجی از دسامبر ۲۰۱۶، به تدریج از حکومت عربستان فاصله گرفت. او ابتدا در اندیشکده‌ای در واشینگتن از صعود دونالد ترامپ و سیاست او در خاورمیانه انتقاد کرد. در آن زمان، به دلیل اینکه او یک فرد نزدیک به حکومت شناخته می‌شد، یک مقام رسمی سعودی مجبور شد اظهارات انتقادآمیز خاشقجی را یک نظر شخصی بداند. این مقام به خبرگزاری رسمی عربستان گفته بود که انتقادات خاشقجی از ترامپ، منعکس‌کننده دیدگاه دولت عربستان نیست. در آن زمان، سعودی‌ها بسیار مراقب بودند که کسی از چهره‌های نزدیک به حکومت، از ترامپ انتقاد نکند، چرا که ترامپ به تازگی انتخاب شده بود و سیاست او در قبال خاورمیانه در حال شکل‌گیری بود. به همین دلیل، انتقادات خاشقجی با واکنش سریع دولت عربستان مواجه شد و دولت او را از نوشتن و حضور در رسانه‌ها ممنوع کرد. پس از شروع بازداشت شاهزادگان سعودی توسط بن سلمان، این روزنامه‌نگار برای مدتی مسکوت اختیار کرد و فعالیت‌های رسانه‌ایش را محدود کرد اما سرانجام به‌طور داوطلبانه به تبعید خودخواسته در واشینگتن تن داد. پس از استقرار در واشینگتن، یادداشت‌های انتقادی متعددی علیه ولیعهد عربستان و سیاست‌های داخلی و خارجی وی، به‌خصوص جنگ یمن نوشت. یادداشت‌های او در رسانه‌های مشهوری همچون اشپیگل و فایننشال تایمز منتشر می‌شد. او حتی در روزنامه واشینگتن پست مطلب می‌نوشت. خاشقجی طی یادداشتی در مجله آلمانی اشپیگل، از تمرکز قدرت و سرکوب منتقدان توسط بن سلمان انتقاد کرده بود. او همچنین از مخالفان روابط اسرائیل و عربستان سعودی بود.

پس از خروج از عربستان خاشقجی تبدیل به مغز متفکر اپوزیسیون شد و بن سلمان را به برهم زدن توازن و شخیبت جامعه سنتی عربستان متهم کرد. خاشقجی در یکی از مقاله‌های خود در القدس العربی، محمد بن سلمان را با قاضی و صدام مقایسه کرد و با برشمردن اقدامات بن سلمان، مدعی شد او شیзоفرنی دارد و به همین دلیل معتقد بود جاه طلبی و تندروی‌های بن سلمان باعث خواهد شد

عربستانی که آل سعود طی یک قرن آن را تبدیل به قدرت مهم منطقه‌های است کرده از هم بی‌پاشد.

دیگر اطلاعاتی که از خاشقجی داریم این که عموی وی بنام عدنان خاشقجی متعاقب ماجرای مک‌فارلین در ایران مشهور شد. عدنان در مصاحبه‌ای با مجله نیویورک در سال ۱۹۸۹ ادعا کرده بود که پدربزرگ وی یهودی بوده‌است.

منتقد بن سلمان یا منتقد ترامپ!؟

آن طسور که از لا به لای اخبار و فعالیت‌های دوران روزنامه نگاری خاشقجی معلوم است به ویژه سال ۲۰۱۶ یعنی هم‌زمان با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، برخی از فعالیت‌های جمال خاشقجی – به تعبیر غربی‌ها؛ روزنامه نگار ناراضی سعودی! – معطوف به انتقاد از سیاست‌های خاورمیانه‌ای ترامپ می‌شود. این روزنامه نگار سرشناس همچنین از منتقدان روابط اسرائیل و عربستان نیز به شمار می‌آید و از آن جایی که او به دستگاه قدرت در عربستان نزدیک بوده می‌توان گفت که از بسیاری اخبار پشت پرده از جمله عادی‌سازی روابط اسرائیل و اعراب به سرمداری عربستان باخبر بوده و همین باخبر بودن نیز در نهایت بلائی جان او می‌شود.

نزدیکی بیش از حد خاشقجی به ترکی الفیصل، سفیر سابق عربستان در لندن و واشنگتن که رفت و آمدی آزادانه به اسرائیل نیز داشت و حتی متهم به همکاری با سرویس‌های جاسوسی اسرائیل، آمریکا و انگلستان نیز بود این گمانه را در ذهن روشن می‌سازد که خاشقجی قربانی دانسته‌هایی شده است که می‌توانسته یک جریان طراحی شده را به طور کلی به حاشیه بکشد و اما انتخاب اسرائیل برای سلاحی جمال خاشقجی را اگر اتفاقی ندانیم می‌تواند به سیاست‌های بلند مدت سرویس‌های امنیتی عبری – عربی مربوط باشد زیرا ترکیه در بازل ژئولیتیکتی خاورمیانه به عنوان یک الترناتیو در برابر ریاض، بهانه‌ی خوبی است تا طراحی این قتل در خاک ترکیه را باورپذیرتر کند.

منتقد بن سلمان یا ترامپ؛ در هر صورت جزایی جرم کم نمیش نمی‌شود اما آن چه در این روزها مشهود است خبرسازی آمریکایی‌ها با اسم رمز خاشقجی برای از میدان به در کردن بن سلمان است زیرا تمامی شواهد نشان می‌دهد اگرچه بایدن با سلمان بن عبدالعزیز آل سعود هیچ مشکلی ندارد اما تلاش برای بازگرداندن بن نایف به اریکه‌ی قدرت می‌تواند بخشی از پروژه بازی با پرنده‌ی خاشقجی را چه کسی باشد و اگر نه کیست که نداند دستور قتل جمال خاشقجی را چه کسی و در هماهنگی کامل با کدام کشور صادر کرده است!؟

می‌خواهیم که حملات مرزی را متوقف کرده

و مذاکرات صلح را از سر بگیرند. ما از حوثی‌ها

می‌خواهیم حملات به مارب را متوقف کنند.»

دبیرکل سازمان ملل نیز در اظهاراتی در همان کنفرانس گفت که یمن با وحات اوضاع بشردوستانه و کاهش حجم کمک‌ها، همراه با ادامه جنگ مواجه است. هماهنگ‌کننده سازمان ملل در امور بشردوستانه نیز خاطرنشان کرد که «۱۱ میلیون نفر در آستانه گرسنگی قرار دارند.» وی گفت: «ما همچنین برای کمک به ۱۶ میلیون نفر به ۴میلیارد دلار نیاز داریم. راه حل سیاسی مهمترین گزینه برای پایان دادن به بحران یمن است.»

اطلاعات

بایدن در آغاز راه چهارساله ریاست جمهوری آمریکا است. برخلاف ترامپ که برای شعار «آمریکا اول» مبارزات انتخاباتی خود برای تکیه زدن به صندلی ریاست جمهوری در کاخ سفید را کلید زد و در همان روزهای نخست بعد از پیروزی به جای تأکید بر دیپلماسی، اصل «قدرت برای اقدام» را در راستای تمکین همه کشورها به رئیس‌جمهوری جدید آمریکا پیام داد، بایدن با جمله «دیپلماسی بازگشته است» شروع ریاست جمهوری‌اش را اعلام کرد و گفت:

«برای بازسازی دیپلماسی در روابط بین‌الملل

با متحدان اروپایی آمریکا گفتگو و همراه

خواهد شد.» از این جمله بایدن، اغلب تحلیلگران

سیاست خارجه جدید آمریکا برداشت‌های

گونگون کرده‌اند که دو آینده‌نگری در آن‌ها

شناخص است. اول، بایدن می‌خواهد تا از

روش ترامپ با شعار «تمکین یا طرد» فاصله

بگیرند. دوم و شاید مهم‌تر، رئیس‌جمهوری

جدید آمریکا برای حضور قدرتمندش در صحنه

بین‌المللی و حفظ جایگاه برتری آمریکا در

دیپلماسی غربی، به دنبال جبهه‌سازی است؛

جبهه‌های با همه تفاوت‌ها اما متحد در نظام

سرمایه‌داری بین‌المللی که آمریکا به صورت

سنت تاریخی، همواره فرماندهی آن را در اختیار

داشته است. این شعار استراتژیکی بایدن در

گام اول، سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان را

که چهار سال گذشته به لحاظ سیطره قدرتی

ترامپ در آنرا قرار گرفته بودند، دوباره برای

حفظ منافع فعال کرده است.

در همین گام اول، بایسند دوزنمای مسیر

سیاست خارجه بر اساس «دیپلماسی» را در

ارزایی دو قدرت برتر دیگر در صحنه بین‌المللی

با جمله «چین و روسیه سرسخت اقتصادی ما در

روسیه (پوتین دشمن ما است»، نشان داد.

چین به روایت بسیاری از کارشناسان اقتصادی

اکنون و در آینده نزدیک، قدرت برتر اقتصادی

سرمایه‌ی جهان خواهد شد. پوتین و روسیه‌ای

که او هدایت می‌کند، دشمن است؛ زیرا در چهار

سال گذشته از پنجره‌هایی که سیاست خارجه

ترامپ برای او باز کرد، در بسط هژمونی خود

بسیار موفق بوده و اکنون مختل روابط دو

چندقابله غرب در اغلب مناطق جهان، به ویژه

در خاورمیانه و خلیج‌فارس، قلب «فت و گاز»

دنیا شده است. از یاد نبریم که ترامپ در چهار

سال گذشته انحلال اوپک، بزرگ‌ترین تراست

نفی – گاز جهان را می‌خواست و «پوتین»

با زیرکی دیدگاه «وپک» ضعیف را دنبال کرد.

گام دوم بایدن که از هماکنون آغاز شده است،

اجرای سیاست در صحنه بین‌المللی به صورت

گاه‌به‌گام است که اکنون در خاورمیانه بحران‌زد

و به‌ویژه درباره جمهوری اسلامی ایران، کلید

خورده است و رعایت اصل «حقوق بشر» که

به صورت سنتی همواره ابزار رفتارهای رؤسای

جمهوری از حزب‌دموکرات بوده‌است، در راستای

تحقق مسیر این دیپلماسی قرار گرفته است.

در این راستا «هدی مطهرنیا» در نوشته‌ای به

نام «بایدن و میراث ترامپ و اوپامه» می‌نویسد:

«دولت جو بایدن یک دولت دموکرات چندپهلوی

است. از یک طرف نو دموکرات‌های اوپامایی در

آن حضور دارند و از سوی دیگر دموکرات‌های

چپ و کلاسیک محور و ستون فقرات حرکت

ماهی گونه آن‌ها در نظام بین‌المللی بر مذاکره

به عنوان ستون رفتار سیاسی حزب دموکرات در

کنش‌های سیاسی در عرصه داخلی و بین‌المللی

استوار است. دموکرات‌ها به عنوان نمایندگان

بخش قابل تعریف اجتماع متنوع آمریکایی

همواره بر روش‌مندی سیاسی خود به گونه‌ای

منه‌ای مذاکره و استفاده از دیپلماسی برای

رسیدن به اهداف، منافع و امنیت ملی آمریکا

بوده‌اند. اگرچه جمهوریخواهان نیز همواره

به مذاکره روی می‌آورند اما ادبیات سیاسی

جمهوریخواهان ادبیاتی منکی بر کاربرد زبان

تهدید به عنوان محور اصلی محسوب می‌شود.

لذا هر گاه که دموکرات‌ها در کاخ سفید قدرت را

به دست می‌گیرند، ابزار جهت‌گیری با رهیافت

دیپلماتیک با تأکید بر مذاکره برجسته می‌شود.

اما آنچه آن‌ها از مذاکره در نظر دارند استفاده از

این صنعت پیچیده سیاست خارجه در جهت

کم کردن هزینه‌های آمریکسا به‌ویژه در حوزه

قدرت نرم در راستای رسیدن به هدف‌های

تعریف شده‌های است که در دولت‌های قبل نیز

بر این امر تأکید شده که دولت بایدن سنتز

دولت‌های اوپاما و ترامپ خواهد بود و اکنون

بارفقه‌های روشنی از این معنا به نمایش گذاشته

می‌شود. بدین جهت که بایدن تیمی دیپلمات

بلینکن، سالیوان، برن و مالی را برگزیده است

که همه اینها سابقه جهت‌گیری‌های دیپلماتیک

و امنیتی دارند و به خوبی به ریزه‌کاری‌های

دیپلماتیک ایران آگاهی و اشراف پیدا کرده‌اند.

همانگونه که به هر تقدیر دیپلمات‌های ایران نیز

با آن‌ها گفتگو کرده و می‌توانند آشنایی بیشتری

میراث اوپاما را حفظ کند که یک مدل را در

۵۰۱ شکل داد و براساس این مدل، تیم اوپاما

که بایسند خود معاون رئیس‌جمهوری بود، در

آن نقش ویژه‌ای داشت به آن سامان تخشید و

از طرف دیگر بر آن است که از میراث ترامپ، در

اعمال فشار دکارتی بر ایران بهره‌گیرد.» در

دانش و علم سیاست، دیپلماسی نه ایدئولوژی

است و نه از ذهن؛ بلکه روش برنامه‌ریزی و کار

برای تحقق هدف و سیاست‌ها به اصل حفظ

منافع و فریب‌سازی آن است با نظر گرفتن

اهرم‌های قدرت و شناخت دقیق و همه‌جانبه

از شرایط موجود.